

ایدئولوژی اسلام‌شناسی در غرب



از پلایای تفکرات احیاجری اسلامی و سلفی و سیدقطبی در چند دهه گذشته تبلیغ اسلام هویت اندیشی بوده که این دیانت رااز چارچوب نظام معرفتی به‌نظام هویتی صرف کاهش داده است. این نوع نگاه تقلیل‌ی ناشی از خوف بر خلوص هویت وبرآمده از بحران‌های اجتماعی وسیاسی است. از پیدامهای آن هم‌بدبینی مطلق است به‌دیگری، واحتکار معرفت دینی درآنچه فقط این هویت‌اندیشان آن راخالص می‌پندارند وهرآنچه را بیرون از آن است، نادرست می‌شمارند. این دیدگاه متأسفانه در دو سه دهه گذشته وارد بخشی از جامعه مذهبی شیعه هم شده، گرچه دراصل اثر پخت اسلام‌گرایان سنی وسلفی است. یکی از نتایج چنین رویکردی این است که‌گمان می‌رود درباره اسلام فقط باید مسلمانان سخن بگویند و اگر دیگران درباره اسلام وتاریخ وفرهنگ وقفه وشریعتش حرفی بزنند، آن را توطئه‌ای علیه اصلالت هویتی مسلمانان می‌دانند. اسلام‌دیانتی تاریخی، تمدنی وجهانی است. بخشی است از تاریخ جهانی همانند هر دیانت وفرهنگ وتمدن دیگری مورد علاقه تاریخ‌دانان ومتخصصان ادیان و تمدن‌هاست برای بررسی همه‌جانبه آن. اسلام‌شناسی حتی اگر در آغاز در سنت شرق شناسی پیوندی باپدیده استعمار داشته، اما حتی همان زمان هم پاسخی بوده است به‌حس کنجکاوی برای شناخت وبررسی نسبت جایگاه آن باتاریخ دیگرادیان وتمدن‌ها. اسلام سیاسی وبنیادگرایی دینی ده‌ها سال است که با شعارهای هویتی خود هرگونه شرق‌شناسی واسلام‌شناسی رابه‌عنوان دسیسه‌های غریبان علیه جهان اسلام قلمداد می‌کند. صدها کتاب هم در این موضوع نوشته شده است وروز به‌روز هم این دیدگاه در نوشته‌های نویسندگان این گرایش‌ها بیشتر دیده می‌شود ورو به‌رشد است. این یعنی اسلام رابه‌عنوان نظام معرفتی وتاریخی که می‌تواند محل اندیشه‌ورزی هر اندیشه‌ورز ومتخصص وعالمی باشد، تبدیل کنیم به‌نظامی فروبوسته بر هویت اندیشی خائف بر خویش که‌اجازه نمی‌دهد دیگران درباره آن ببندیشند و در فهم مشترک ما از آن سهمی شوند ومشارکت کنند. اشخاصی با همین دیدگاه بسته درباره ترجمه کارهای اسلام‌شناسان غربی مخالفت می‌کنند و اگر نتایج پژوهش‌های اسلام‌شناسان غربی باتانچه در سنت اسلامی به‌عنوان معیار شناخته می‌شود مخالف باشد، فریادشان به‌آسمان می‌رود. این یعنی اسیر تفکرات سلفی شدن. جالب اینجاست که‌برخی نویسندگان وطنی باهمین دیدگاه سراغ مائورات شیعی می‌روند ومی‌خواهند این نوع سلفی اندیشی رابه تشیع منتقل کنند. همینان باهرچه تفکر فلسفی وعرفانی وباطنی است، مخالف‌اند ودعوت به‌خلوص بر تفکر شیعی می‌کنند واز منظر همین دیدگاه، بادستاوردهای اسلام‌شناسی در غرب هم مخالفت می‌کنند. اینان درواقع درآنچه در آن تخصصی ندارند، اظهار نظر می‌کنند. فارغ از درست‌ی یا نادرستی نتایج پژوهش‌های متخصصان غربی درباره اسلام وقفه وکلام واز این دست، فراموش نکنیم که این پژوهش‌ها بخشی است ازآنچه دنیای علم ومعرفت را برای انسان معاصر می‌سازد. انسان معاصر درعرصه منابع معرفتی تک‌بعدی نیست و اگر ایمان در جهان معاصر همچنان ممکن است وقابل دفاع، باید هندسه خود رابعرفات‌های جدید واز آن جمله دانش تاریخ هسان کند.

تازه، مگر غیر این است که نتایج آن پژوهش‌ها پرشش‌های مهمی را در برابر مسلمانان قرار می‌دهد و خود زمینه را برای حیات فعال عقلی وفکری واحیای منطق بحث و گفت‌وگو در درون وبیرون جهان اسلام فراهم می‌کند. اگر این چالش‌های فکری در میان نباشد، تفکر دینی اسلامی به‌احتطاطی دوباره کشیده می‌شود. دو نگاه درباره سنت اسلام شناسی غربی وجود دارد: یک نگاه به‌کلی منفی است و آن راوبه‌ویژه آنچه رابا عنوان شرق‌شناسی شناخته می‌شود، به‌عنوان هجمه علیه اسلام وفرهنگ اسلامی می‌شناسد. نگاه دوم اعتمادی کلی به‌مجموعه میراث اسلام‌شناسی وشرق‌شناسی در غرب دارد. من درنوشته‌های دیگر گفته‌ام که‌آنچه امروز رابا عنوان اسلام‌شناسی وجود دارد، باشرق‌شناسی قرن نوزدهمی فرق می‌کند. اکنون اسلام‌شناسی شاخه‌ای از دیپارتمان‌های تاریخ یا مذهب است وپارادایم حاکم بر آن باتانچه شرق‌شناسی رادر سده‌های هجدهم ونیمه سده بیستم ایجاد کرد ویدان معنا می‌داد، به‌کلی متفاوت است. باهمه بحث‌های نظری که درباره شرق‌شناسی در آن دوره مطرح است ونقدهایی که‌از نقطه‌نظرات مختلف بر آن وارد شده وازجمله نقدهایی که در دو سنت غرب بر شرق‌شناسی نوشته شده یا از درون خود این سنت بر آن انتقاداتی رفته است، تردیدی نیست که بسیاری از آنچه به حوزه مطالعات زبانی وقفه اللغة وتصحیح متون وشناسایی متن‌ها ومطالعات تاریخی وجغرافیایی مربوط است ودر سنت شرق‌شناسی در طول حدود دویست سال منتشر شد، برای شناخت مسلمانان از فرهنگ وتاریخ خود بسیار مفید بود. جدا از انتقادات کسانی مانند ادوارد ساید، بیشتر نقدها در جهان اسلام از سوی سلفیان بر این سنت وارد شده است و چنان که می‌دانیم، بارویکرد هویتی آمیخته‌شده است ونقدهایی علمی هم نیست. در دو سه دهه گذشته هم به‌ویژه به‌دلیل رویکرد تجدیدنظرطلب‌ها وشکاکان در اصالت متون قدیم دینی این نوع نقدها در جهان عرب سلفی شدت بیشتری هم گرفته والبنه از لحاظ محتوایی به‌شدت تنزل هم پیدا کرده است.

اما رویکرد دوم از آن کسانی است که همه دستاوردهای اسلام‌شناسی در غرب راوحی منزل ونتایج تحقیقات در حوزه اسلام‌شناسی را حتمی فرض می‌کنند یا آن را قابل نقض ورد نمی‌دانند. طبیعی است که این رویکرد هم به همان اندازه رویکرد اولی نادرست است که بقدری مقالات در کتاب‌های ضعیف در این سنت منتشر شده است که خود فهرست مستقلی می‌طلبد. متأسفانه مقالات مجله‌های علمی کمتر نقد می‌شود واین خود یکی از علل ضعف وسطحی بودن برخی از این دست پژوهش‌هاست. گاهی ناآشنایی نویسنده‌ای با منابع و گاهی ناتوانی در درک درست متن‌ها یا گاهی دخالت دادن فرضیه‌های ناستوار در امر پژوهش تاریخی سبب بی اعتباری این قبیل پژوهش‌هاست. در همین حوزه شیعه‌شناسی یا کلام اعتبار بسیاری از مقالات وپژوهش‌ها رانمی‌توان هم‌وزن پژوهش‌های دانشمندان برجسته‌ای مانند آقای مادلونگ دانست. باین همه، جنبه مثبت در سنت اسلام‌شناسی آکادمیک در غرب این است که هم زنده است وهم نقد جایگاه مهمی دارد ودائم در کار نقادی خود دستاوردهای خویش است. این خیلی مهم است. در خود ایران در سال‌های گذشته تعداد مقالات ومطالعات بسیار خوب وبا استانداردهای قابل قبول در حوزه مطالعات اسلام‌شناسی فزونی یافته است. متأسفانه بسیاری از این پژوهش‌ها به‌دلیل انتشار به‌زبان فارسی به‌درستی در فضای آکادمیک در غرب بازتاب پیدا نمی‌کنند. بسیاری از این مقالات می‌توانند با کمی اصلاح ساختار تألیف وتدوین به‌یکی از زبان‌های اروپایی جای خالی بسیاری از تحقیقات دقیق رادر این حوزه در غرب پر کنند.



امید حسینی نژاد

رشد و پویایی جامعه با الگوگیری از نخبگان بشری مسئله‌ای است که در همه فرهنگ‌ها و ملت‌ها دیده می‌شود. دین مبین اسلام نیز به‌عنوان آخرین دین آسمانی و تکمیل‌کننده مأموریت انبیای الهی وبا جلوداری پیامبر اکرم(ص) وائمه اطهار(ع)، افرادی را در مکتب خود پرورش داد که به‌الگوهای درخشان نه تنها در عالم اسلام، بلکه در پهنه عالم ودر همه ارکان واصناف بشری تبدیل شدند. بین این نخبگان معرفتی وعلمی، نام بزرگوارى همچون حضرت علی اکبر(ع) می‌درخشد.

معرفت به خداوند و هادیان زمانه به‌عنوان بایسته‌های فرد متدین، کنار ویژگی‌هایی مثل کرامت نفس، حسن خلق، شجاعت و بصیرت از علی اکبر(ع) چهره‌ای ساخت که‌نامش را تاابد در صف برترین شیعیان و سربازان حریم اهل بیت(ع) ثبت کرد تا الگویی برای مجاهدان راه خدا و آزادگان عالم باشد.

حضرت علی اکبر(ع) از الگوهای عالی و سرمشق‌های برتر برای جوانان مؤمن و پاک‌دامن است. جوانان عصر ما می‌توانند خصلت‌های والا وبلند واوصاف شایسته آن حضرت از جمله عفت، پاک‌دامنی، ایثار، ادب، وقار، سخاوت، شجاعت، مطیع امام زمان خود بودن و کمک به‌مظلومان را از سرور خویان بگیرند ونسخه عملی زندگی خویش قرار دهند وپناه آوردن به‌بارگاه ربانی او، از همه ناپاکی‌ها دست بشویند. از دامان رهبران شیطان برهند وبه‌سوی خداوند عالم عروج کنند. حضرت علی اکبر(ع) با توجه به اینکه هم ربیانی از اهل بیت(ع) در کنار او بودند، در مسائل روز جامعه در ابعاد سیاسی، فرهنگی واجتماعی وموضع‌گیری‌های خاص خود منطبق باروش وسیره امام زمان خود بوده است واین نشان از درایت ومعلومات او دارد. زیرا در بیشتر کتاب‌های رجالی نام حضرت علی اکبر(ع) ازجمله راویان موفق حدیث نقل شده است. البته ایشان نه تنها راوی حدیث بود، بلکه جزوقتیهان به‌شمار می‌آمد وعلو مقام ایشان پس از رتبه معصومان(ع) است. به مناسبت ولادت دردانه سیدالشهدا(ع) و برای تبیین سیره زندگانی ایشان، با دکتر محمدعلی مهدوی راد، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، گفت‌وگویی داشته‌ایم.

● وقتی به تاریخ صدر اسلام ودوره حضور نبی مکرم اسلام(ص) می‌نگریم، متوجه توجه ویژه ایشان به جوانان و به کارگیری آنان در مناصب مهم حکومتی می‌شویم. به نظر شما راهبرد ایشان برای مواجه با جوانان چگونه بوده است؟ جوانان در همه‌دوران تاریخ بشریت جلودار جریان‌های مهم سیاسی واجتماعی بوده‌اند. هواداران انبیا از جوانان بودند. در صدر اسلام پیامبر اکرم(ص) مأموریت‌های دشوار رابه جوانان می‌سپرد. حضرت چنان به جوان‌گرایی اهمیت می‌دادند که گاهی سابقه‌داران به اعتراض می‌پرداختند. در یکی از نبردها، زمانی که پیامبر اکرم(ص) در بستر بیماری قرار داشتند، جوانی هجده‌ساله رابه‌عنوان فرمانده انتخاب کردند.

پیامبر اکرم(ص) پیش از هجرت به‌مدینه، جوانی به‌نام مُصعب رامسئول تبلیغ اسلام در مدینه کردند. او از خانواده‌ای بسیار مرفه بود که‌در مکه ودور از چشم بستگان به‌حضرت ایمان آورد. والدین مُصعب همه امکاناتش را از او گرفتند. او نزد پیامبر اکرم(ص) آمد ووفساداری‌اش رابه اثبات رساند ودر جنگ احد به‌شهادت رسید.

از این جهت ما باید برای سرمایه‌گذاری بر جوانان اهتمام بیشتری در نظام داشته باشیم. امام‌صادق(ع) درباره اهمیت دادن به جوان فرمودند: «علیک

دکتر محمدعلی مهدوی راد، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، از سیره اخلاقی و تربیتی جوان برومند امام حسین(ع) می‌گوید

علی اکبر(ع) الگوی ولایت‌پذیری وشجاعت



نقاشی از نبرد حضرت علی اکبر(ع) اثر نقاشین صفایی کازان هنر شیعی

اوشهادت رایکی ارزش‌های عالی دینی می‌داند که بدون آن نمی‌توان به‌سوی جامعه آرمانی حرکت کرد.

امروز امت اسلامی نیازمند جوان‌هایی بصیر، آگاه، نترس وشجاع مانند علی اکبر(ع) است؛ جوانانی که هم نترسند وهم صحیح عمل کنند، دشمن رابه‌خروش بیاورند ومایوش کنند. حضرت علی اکبر(ع) در همراهی با کاروان امام حسین(ع) با بصیرت ودر روز عاشورا باشجاعت عمل کرد. مقابل شجاعت، ترس است. فرد ترسو چشم انداز روشنی ندارد. زیرا همواره از آینده ترس دارد واز چالش‌های پیرامونش هراس دارد. در آن زمان ابن‌زیاد ویزید ملعون باتهدید واجیاد ترس در دل کوفیان، آن‌ها را از تعهدشان درباره امام حسین(ع) بازداشتند، تا جایی که مصیبت عاشورا به‌واقع پیوست. امروز نیز آمریکا وهم‌پیمانانش با ایجاد ترس در دل مردم برخی جوامع اسلامی، قصد هراس افکندن در دل مسلمانان وتصرف مناطق اسلامی را دارند. از این جهت خداوند در آیات قرآن افراد مؤمن ومسلمان را از ترس پرهیز داده است.

دشمن تصور کرد که‌در روز عاشورا باعث شکست امام حسین(ع) واصحاب ایشان شده است و اگر تحلیل‌گران مایاشک‌وتردید به این مسئله می‌پرداختند، در این عصر با جریان یافتن حرکت اربعین حسینی وشنیده‌شدن شعار «لبیک یا حسین»، از زبان مردم دنیا، آن هم در سرزمین عراق، متوجه پیروزی حق بر باطل و پیروزی جریان عاشورای حسینی علیه جریان باطل نمی‌شدیم. از این جهت باید رفتار امام حسین(ع) وعاشوراییان مثل علی اکبر(ع) رادرپازل تمدنی وآینده‌نگرانه ارزیابی کنیم. بر این اساس، امام حسین(ع) در قیام عاشورا بسیار حساب‌شده عمل کرد ونتیجه قیام ایشان بیداری گسترده مسلمانان وزمینه ساز گرایش حداکثری شیعیان ومحبان اهل بیت(ع) در دوران بعدی شد و اکنون اگر شیعه حرکت دارد، حرکتش رادمیون قیام امام حسین(ع) است وهمان‌طور که گفته شد، ماجرای اربعین مصداق بارز پیروزی حق علیه باطل است.

کتاب قرآنی نفیس به دست یک شیعه نیشابوری

از عالمان، شاعران ومحدثان کهن شیعه در قرن چهارم وپنجم قمری بوده واین نسخه قرآنی هم از نمونه‌های نادر دست‌نوشته‌های قرآنی شیعیان به‌شمار می‌آید. تحقیق در جوانب گوناگون این نسخه سی‌پاره قرآنی وکاتب وواقف شیعی آن، علاوه بر افزودن اطلاعات ما از احوال وآثار عالمان گمنام شیعه، می‌تواند جوانب مهمی از تاریخ قرآن‌نویسی شیعیان و اهل سنت در ایران طی سده‌های چهارم وپنجم قمری را آشکار کند واز این راه، پرتوی تازه بر شناخت تاریخ کتابت، رسم، علامت‌گذاری، و سیر تحول قراءات قرآنی بیفکند.

با علموام اسلامی از قبیل فقه وکلام متفاوت است. در ابتدای این کتاب پیشینه موضوع ومسئله نسبت تاریخ والهیات ارائه شده است. در جستار نخست چگونگی نسبت تاریخ و علم کلام بررسی شده ودر ادامه بحث درباره نقاط قوت وضعف تفکیک این دو ونیز نسبت تنقیضی یاتکمیلی‌ای پرداخته شده است که میان آن‌ها می‌تواند برقرار باشد. در قسمت پایانی این جستار نویسنده می‌کوشد نشان دهد به‌دلائل مختلف رویکرد تاریخی از جهات گوناگون به رویکرد کلامی برتری دارد. کتاب «مورخان وامر قدسی» نوشته حسن حضرتی و دیگران به‌کوشش فاطمه بختیاری توسط نشر لوگوس امسال منتشر شد.

ویژگی‌هایی را داشته باشد. چقدر برایمان تقدس دارد؟ پیامبر اکرم(ص) خیر البشر وبرترین مخلوق خداوند است وخداوند بابت اخلاقی زیبایش به او مباحات وآن را عاملی برای پیروزی رسالت معرفی می‌کند. در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌خوانیم: «فَإِذَا رَحِمَةُ مِنَ اللَّهِ لَبِثَ لَئِمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَیْظُ الْقَلْبِ لَا تُفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ...» [ای پیامبر!] پس به مهر ورحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی و اگر درشت‌خوی وسخت دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.» خود رسول اکرم(ص) نیز می‌فرمایند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ عِکَارِمَ الْأَخْلَاقِ...» «من معیوث شدم تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم.» حال حضرت علی اکبر(ع) از نظر اخلاقی شبیه‌ترین فرد به ایشان است.

● به نظر شما تبیین سیره حضرت علی اکبر(ع) در عصر حاضر از چه شاخه‌هایی برخوردار است؟

وقتی کاروان امام حسین(ع) از مکه بیرون آمد، شنید پدرش امام حسین(ع) آیه استرجاع یعنی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ» می‌خواند. علی اکبر(ع) از امام حسین(ع) پرسید: «چرا این آیه را می‌خوانید؟»

امام حسین(ع) فرمود: «به خواب رفته بودم، یک سواره را دیدم که می‌گفت این قوم حرکت می‌کنند و مرگ هم قصدان‌ها را دارد. از خواب که بیدار شدم، دانستم گفته او متوجه ما و مرگ در تعقیب ماست.» علی اکبر(ع) گفت: «همواره از گزند روزگار درمان باشید. مگر بر حرق نیستیم؟ امام حسین(ع) فرمود: «بله. سوگند به کسی که بازگشت همگان به‌سوی اوست، ما برحقیم.» علی اکبر(ع) گفت: «پس از اینکه ما برحقیم، چه بیمی از مرگ داریم؟» جوان امروزی نباید در مسیر حق از کسی بترسد.

اینکه علی اکبر(ع) خطاب به‌امامش گفت: «پس از اینکه درمان باشیم، چه بیمی از مرگ داریم؟» باید الگوی جوان امروزی باشد. یعنی جوان باید در مسیر حق نترس وشجاع باشد. جامعه امروز ما با تهدیدهای زیادی روبه‌رو است و جوان علی اکبری، جوانی است که‌از این تهدیدها نترسد وبه مبانی ایمانی خود اعتقاد راسخ داشته‌باشد. این چنین انسانی اگر با مرگ هم روبه‌رو شود، آن را پالی به‌سوی سعادت ابدی می‌داند.

بالأحداث فإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ...» «جوانان را دریاب، زیرا که آنان سریع‌تر به‌کارهای خیر روی می‌آورند.»

● به نظر شما رویکرد ما در دوره معاصر درباره جوانان وشکوفایی استعداد آنان باید چگونه باشد؟ عوامل شکوفایی وشادابی را باید در جامعه‌مان توسعه دهیم. جوان امروز باید باطراوت وشادابی زندگی کند تا استعدادهای نهفته دراو شکوفا شود. زمین بکری که‌دست‌نخورده باقی بماند، هیچ‌گاه میوه نمی‌دهد، اما اگر باغبانی بالای سر آن باشد، آن درختان شکوفه وبرگ میوه می‌دهند.

یکی از عوامل شکوفایی آگاهی است. دنیا، دنیای علم وآگاهی است. بنابراین جوانان باید سرشار از معلومات وصحیح ودقیق باشند وخود را از جهل برهانند وهر تحلیلی رابه‌سادگی قبول نکنند. امام‌صادق(ع) می‌فرمایند: «دوست ندارم جوانان شما را جز در دو حالت ببینم: دانشمند یا دانشجو. اگر (جوانی) چنین نکند، کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد، تباه کرده و اگر تباه کرد، گناه کرده است و اگر گناه کند، سوگند به آن که محمد(ص) رابه حق برانگیخت، دوزخ جایگاه او خواهد شد.»

● یکی از مسائلی که درباره جوانان با آن روبه‌رویم، معرفی الگوهای اثرگذار در شخصیت آن‌هاست. متأسفانه در این مسئله افرادی را در جامعه الگو معرفی می‌کنیم که شایستگی لازم در ابعاد گوناگون شخصیتی واجتماعی را ندارند. با توجه به اینکه در ایام ولادت حضرت علی اکبر(ع) قرار داریم، چگونه می‌توان از ایشان الگو گرفت؟

حضرت علی اکبر(ع) شخصیتی است که امام حسین(ع) درباره ایشان جمله مشهوری دارند. آن حضرت در مورد حضرت علی اکبر(ع) سر به آسمان کرده وفرمودند: «أُشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مُطْلَقًا پُزْشُولِك...» «او شبیه‌ترین مردم از نظر خلقت، اخلاق وگفتار به‌رسول اسلام(ص) است.» البته عاملی که ایشان رابه این مقام رساند، تربیت‌های امام حسین(ع) بود. در واقع حضرت علی اکبر(ع) دل به تربیت‌های امام زمانش داد وخود را تسلیم محض ایشان کرد. چه‌بسا فرزندی از ائمه(ع) که مسیر انحراف پیمودند یا به‌شمار کافی دست نیافتند. بنابراین مسئله اصلی درباره امام حسین(ع) وحضرت علی اکبر(ع) رابطه‌فرزندوپدری نیست، بلکه ارزش‌هایی مثل اطاعت، تبعیت وتسلیم محض امام بودن پرنرنگ است.

اگر درباره این حدیث کمی فکر کنیم، اندکی با عظمت آن آشنا می‌شویم. تصور کنید اکنون شخصی چنین

کتاب قرآنی نفیس به دست یک شیعه نیشابوری

ابوالبرکات علی بن الحسین الحسینی یکی از عالمان وادیبان مهم شیعه در قرن چهارم وربع اول قرن پنجم قمری در خراسان بوده است. از زادگاه وتاریخ حیات اواطلاعات زیادی در دست نیست، اما جست‌وجو در منابع تاریخی نشان می‌دهد که‌وی شیعه امامی اثنا عشری، از عالمان وادیبان خراسان وساکن نیشابور بوده است. علاوه بر ذکر نام واشعارش در آثار ابومنصور ثعالبی (متوفای ۴۲۹ق) و ذکر نامش در شمار شاگردان وراویان شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، اجزای گوناگون یک قرآن سی‌پاره در میان موقوفات حرم

نسبت مورخان با امر قدسی مسئله‌ای است که تاکنون تاریخ‌ورزان ایرانی چندان درباره آن ژرف‌اندیشی و دقت نکرده‌اند. این در حالی است که پژوهشگران تاریخ به‌ویژه در دو حوزه مطالعاتی تاریخ اسلام آغازین وتاریخ انقلاب اسلامی به‌صورت جدی وملموس با آن درگیرند. مسکوت گذاشتن این مسئله، مشکلی را حل نمی‌کند. در این میان بیشترین آسیب حاصل به‌دانش تاریخ وپژوهش‌های مربوط به آن می‌رسد. زیرا ناآگاهی معرفتی درباره محدوده و مرزهای دانش تاریخ ونیز توانایی‌ها وقابلیت‌های علمی این رشته، میدان را برای ورود نامشروع معارف دیگر در مطالعات تاریخی و به بیراهه‌کشاندن آن‌ها فراهم می‌کند. تاریخ‌ورز باید نیک آگاه



به روایت اسناد

مورخان وامر قدسی



کتاب شناخت